

سُورَةُ الْأَنْفَالِ ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ ۖ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ ۖ وَأَطِيعُوا
اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ



از تو پرسند ای رسول! مردمان
گو غنائم جملگی مال خداست
تا کند تقسیم هر طور که بخواست
تابع فرمان یزدان، هم رسول
گر که هستید اهل ایمان و یقین
بوده‌اید در روزگار از مؤمنین
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا
وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ



آن کسانند مؤمنین در روزگار
می‌شوند لرزان از صدرِ قلوب
زاید ایمان بهر ایشان بی‌شمار
که چو آرند ذکری از پروردگار
چون ز آیات بشنوند امرِ وجوب
هم توکل آورند بر کردگار

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ



آن کسان برپا نمایند هم نماز می‌کنند اتفاقِ رزق با روی باز
أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ



این گروه از مؤمنانند نزدِ حق رحمتِ ذاتِ خدا را مستحق
رتبه‌ها دارند رفیع نزدِ اله هم از آمرزش ز ایزد در پناه
رزقِ وافر همچنین از آن نعیم روزی دارند از خداوندِ کریم
كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ



همچنانی که تو را ذاتِ اله خارجت کرد از سرای و بارگاه
پاره‌ای لیک از گروه مؤمنان گشته ناخوشنود ز این امر بالعیان
يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ



گر چه می‌بود حکمِ ایزد آشکار در جدل آیند به تو در روزگار
طاعتِ حق و خداوندِ جهان آن‌چنان دشوار شود بر این خسان
که تو گویی ناظرند با چشم خویش مرگ خود را که ببینند رو به پیش
وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ
وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ



هم به یاد آور رسول! از کردگار که به نصرت وعده بود در کارزار
دو قبیله در جناح شد روبه‌رو بود یکی از بهرتان خصم و عدو

آنکه هم بی شوکت و هم بی سلاح حمله‌ور گشتید، از روی صلاح
تا برید از آن غنائم هر چه هست بعدِ نصرت، تا که خوردندی شکست
خواست اثباتی کند حق ذات با کلام حق در این آیین و کیش
خویش

وین اراده بوده نیز از مستعان برگند از بیخ و بن آن کافران

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ



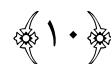
تا کند حق و حقیقت استوار همچنین باطل بگردد محو و خوار
گر چه ناید خوش به کام مجرمان بر کراحت جمله مانند جاودان

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ



هم به یاد آرید که سوی ربّتان استغاثه‌ها بکردید بس گران
پس اجابت کرد خداوند جهان گفت کنم امدادتان اندر نهان
از ملائک یک هزار آیند کمک تا کنند یاری شما را تک به تک

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ ۖ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ ۚ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ



حق نفرمود این مدد از ابتدا تا مگر مژده رساند بر شما
مطمئن گردید ز قلب و استوار نیست پیروزی مگر از کردگار
آن خدایی که عزیز است و حکیم بر اموراتِ دو عالم او علیم

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

پس به یاد آرید ز رب، ذاتِ غنی
 بر شما آنگه ز سوی آسمان
 تا بدان آب پاک و هم طاهر شوید
 دور سازید رجس و شیطانِ پلید
 متحد گردید به هم نیز جملگی
 استوار اندر قدم در بندگی
 که شما را برده خواب در ایمنی
 او فرستاد آب و بارانی گران

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَالِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا
 الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ

یاد آور ای رسول! که کردگار
 که منم همراه و پشتیبانتان
 پس شوید یاور به جمع مؤمنان
 در دل کفار ترسی افکنیم
 پس زنید از فوقِ گردن‌هایشان
 هم بُرید سربندِ انگشتانشان
 بر ملائک وحی فرمود آشکار
 اندر امداد و عنایاتی عیان
 تا شوند غالب همی بر کافران
 از ثباتِ مؤمنان در رُعب و بیم

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

این بدان باشد که بنمودند عُدول
 می‌شود آن کس عذاب را مستحق
 این‌چنین امر واضح آمد در کتاب
 دشمنی کردند به یزدان و رسول
 که عدو هست بر رسول و ذاتِ حق
 که خدا باشد قوی اندر عِقاب

ذَلِكُمْ فَذَوْقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

برچشید این مختصر را در جهان
 هست عذابِ آخرت سخت‌تر از آن

از عقوبت در حسابِ کافران آتشِ دوزخ مهیا هست گران
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ

﴿۱۵﴾

ای! که ایمان دارید اندر روزگار گر به کفار در میانِ کارزار
 با تهاجم سخت گشتید روبه‌روی سوی آنها پشت نیارید هیچ روی
 تا که بگریزید از ترس و ز بیم از جدال با جمعِ کفار لئیم
 وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دَبرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ
 وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

﴿۱۶﴾

هر که پشت آرد به کفار روز جنگ خشم ایزد شامل اوست بی‌درنگ
 جز مگر، اندر صلاحِ کارزار جابه‌جا گردد ز سعی و پشتکار
 جایگاهش دوزخ است و آتشین که بود بد منزلی آنجا یقین
 فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ
 مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

﴿۱۷﴾

هم نگشتید نیز شما آن کافران بلکه گشت ایشان خداوند جهان
 این نبودى تو، رسولِ ارجمند! که فکندى تیر، خدایت مى‌فکند
 تا که آرد امتحان از مؤمنان زانچه خیر پیش آمده اندر میان
 حق سمیع است و سخن‌ها بشنود او ز نیات و عمل آگه بود

ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ

﴿۱۸﴾

این چنین فتح و ظفر در کارزار شد نصیبان ز لطف کردگار
 هر چه کید آید ز کفار، بالمآل محو و باطل می نماید ذوالجلال
 إِنَّ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ ۖ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَبُهِتْ ۚ فَهُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ
 عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

﴿۱۹﴾

کافران! پیروزی گر آرید طلب آن بود در پیروی از دین رب
 هست پیروزی در این دین مبین که بود از بهرستان این بهترین
 گر رها سازید عناد گونه گون آن بود بر خیرتان بی چند و چون
 گر بیارید جنگی دیگر، کافران! کیفری ما می دهیم سخت و گران
 گر چه کثرت داشته باشید در سپاه هیچ مفر هرگز نیابید و پناه
 هست خداوند خود پناه مؤمنان حق بود با اهل ایمان در جهان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

﴿۲۰﴾

ای گروه مؤمنان! اهل یقین! طاعت محض آورید پیش این چنین
 از خدا فرمان برید و از رسول رو مگردانید ز ایشان از عدول
 چون سخن های خدا را بشنوید این چنین روشن ز آیات مجید

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

﴿۲۱﴾

هم نباشید چون منافق، بر خطا که بگویند، بشنویم پیک خدا
 از شنیدن لیک آنها کر بوند چون که از باطن نخواهند بشنوند

﴿۵﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ ۚ الْبُكْمُ ۚ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

پست‌ترین جانوران اندر زمین پیش یزدان مجید است این‌چنین
 که کر و لالند در معنای خویش بر تعقل ره نمی‌آرند به پیش
 وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ ۖ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

گر خدا می‌دید صلاح و انتفاع باز می‌کرد گوششان بر استماع
 بشنوند گر که سخن با گوش از ره کین اعتراض آرند پیش
 خویش

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۖ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ
 بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

اهل ایمان! از دل و جان و عقول طاعت حق را کنید و هم رسول
 تا رسید بر آن حیات جاودان سوی ایزد خالق هر دو جهان
 هم بدانید که خدا بی‌گفتگو حائل است بین بشر و قلب او
 سوی حق محشور گردید جملگی تا سرآید فرصت این زندگی

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً ۖ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

پس بترسید از بلاهای گران که بگیرد از کران تا بی‌کران
 که نه تنها بوده بر اهل ستم بلکه باشد آن فراگیر نیز هم
 باشید آگه که خداوند در حساب او بود سخت و شدید اندر عقاب

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَ
 آيَدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَارْزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

یاد آرید آنکه می‌بودید قلیل همچنین روی زمین خوار و ذلیل
 خوف داشتید از هجومِ مشرکان داد پناهتَن خداوندِ جهان
 کرد عطا روزیِ وافر بی‌ملال طیب و طاهر غذاهایِ حلال
 بر شما واجب بود شکر آورید سوی یزدان و خداوندِ فرید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

اهل ایمان! ای گروه مؤمنان! بر رسول و بر خداوند جهان
 هر اموری را که باشد مستتر از خیانت اندر آن آرید حذر
 همچنین اندر اماناتی که هست که رود بین شما دستی به دست
 چون بدانید هست خیانت ناپسند پس رعایت آورید بی‌چون و چند

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

هم بدانید ابتلاء است بهرتان هر چه دارید مال و هم اولادتان
 در حقیقت اجر اعظم با خداست آن سعادت عاقبت بهر شماست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

ای گروه مؤمنان! گر در جهان متقی باشید به سوی مُستعان
 نصرتی ببخشد خداوند از عطا که بسنجید راه حق را از خطا
 او بپوشد از شما جرم‌هایتان هم ببخشد از کرم اعمالتان

بالیقین باشد خداوند کریم صاحبِ فضل و عنایاتِ عظیم

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ ۚ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ ۗ
وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

﴿۳۰﴾

ای رسول! یاد کن کفارِ دون که چه مکرهایی نمودند گونه‌گون
تا تو را بگرفته و آرند به بند یا گشندت هم به وجهی ناپسند
یا کنند اخراجت از شهر و دیار مکرهایی بس نمودند بی‌شمار
ذات ایزد لیک کند مکر همچنین مکر و تدبیرِ خدا هست بهترین

وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا ۖ إِنَّا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

﴿۳۱﴾

گر بخوانی بهر ایشان آیه‌ها باز می‌گویند زِ روی کینه‌ها
که شنیدیم آیه‌ها کلاً تمام این‌چنین ما هم توان گفتن کلام
نیست آن، جز قصه از پیشینیان و بود افسانه این‌گونه بیان

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنَّا كَانَتْ هَذِهِ حَقٌّ مِّنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ ۖ أَوْ ائْتِنَا
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

﴿۳۲﴾

یاد آور که بگفتند ای خدا این کتابِ گر حق و از توست برملا
سنگِ بار بار بر ما زِ سوی آسمان یا رسان ما را عذابی بس گران

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

﴿۳۳﴾

حق نخواهد داد عذابی بر عُنود تا تو داری در میانِ جمع وجود
هم عذابی او نخواهد داد زِ پیش گر که توبه آورند در راه و کیش

وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۚ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا
الْمُتَّقُونَ وَلَكِنْ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

﴿۳۴﴾

از چه رو ایشان نباشند مستحق؟ که نبینند سخت عذاب از سوی
حق

چون که بسته راه بر مسجدحرام این گروه که جاهلند در حدّ تام
هیچ نورزند دوستی با پروردگار یار ایزد متقی هست آشکار
اکثراً این مردمان ناآگهند از جهالت راه کج را می‌روند

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

﴿۳۵﴾

هم نیایند بر نماز اندر حرم جز برای کف زدن، ریختن به هم
پس چشند اکنون شدیداً آن عقاب که بود آن سهم ایشان در عذاب

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ
حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ

﴿۳۶﴾

می‌کنند انفاق، کفار گاه‌گاه تا مگر رانند مردم از اله
زود باشد کاین خبیثانِ پلید مالِ خود بازند اندر سررسید
بهر ایشان حسرت و آه و ندم مال رفته، گشته مغلوب نیز هم
می‌روند آخر همه سوی جحیم تا بگردند تا ابد آنجا مقیم

لَيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلِ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ
فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

می‌کند تفکیک به وقتش نیز خدا تا خبیث‌ها گشته از طاهر جدا
 بعضی را بر بعضی از قومِ پلید گرد هم آرد ز راه‌های بعید
 سوی دوزخ جملگی گیرند مقام از زیانکاران شوند جمعاً تمام

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ

ای رسول! کافران را ده تو پند کز عنادِ گر جملگی بازایستند
 جرمشان بخشیده گردد از سبق از عنایاتِ خداوند، ذاتِ حق
 بر عداوتِ گر روند از روی کین سنتِ پیشینیان است جایگزین

و قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ
 بَصِيرٌ

با چنین کفّار نماید کارزار چون که فتنه آورند در هر دیار
 تا بماند دین حق کامل، تمام هم ز اعمال و ز نیات و کلام
 گر بشویند دست از کفرانِ پیش دینِ حق را برنمایند راه خویش
 ذاتِ ایزد آگه و باشد نصیر بر همه اعمالِ ایشان است بصیر

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مُوَلَّاكُمْ ۖ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ النَّصِيرِ

گر که پشت کردند به دینِ ایزدی از ره کفران و هم از جاهلی
 پس بدانید که خدا یارِ شماست از برای جملگی حق رهنماست
 اوست بهتر از جمیعِ یاوران هم به نصرتِ بهترین اندر جهان

﴿٤٠﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ ۖ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿٤١﴾

هم بدانید از غنائم هر چه هست
پنج یک زان را گذارید بر کنار
بر رسول و اقربای آن کریم
گر بود ایمانتان بر کردگار
روز فرقان، روبه‌رو شد دو سپاه
بر همه چیز حق توانا و قدیر
چون بیاوردید اموالی به دست
که بود آن سهم خاصِ کردگار
بر گدایانِ سبیل و بر یتیم
زانچه شد بر بنده‌ی ما آشکار
مؤمنان، با کافرانِ روسیاه
او که باشد بر همه عالم خیر

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدُوِّ الدِّنْيَا وَ هُمْ بِالْعُدُوِّ الْقُصْوَىٰ وَ الرِّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ ۚ وَ لَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيعَادِ ۖ وَلَكِنْ لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْنِهِ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيْنِهِ ۖ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ

﴿٤٢﴾

آورد زان روزِ سنگین نیز یاد
واقع گشته در مکانی نیز دور
دشمنان در موضعِ بهتر شدند
بر قرارِ خود نمودید اختلاف
کرد نظر بر حربِ آنکه ذاتِ حق
تا بگردد خود هلاک از حجتش
که سپاه در وادی دشمن فتاد
بر تسلط بوده‌اند در آن حضور
از فراز از بهرتان نیز آمدند
بر سپاهتان رسید آنکه شکاف
تا نماید حکم ز امرِ ماسبق
آن که بوده این‌چنین مرگ
قسمتش

هم بمانده زنده هر کس لازم است
حق به گفتار شما باشد سمیع
بس هویدا حجت حق ملزم است
اوست دانا بر همه عالم جمیع

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَاكِحَ قَلِيلًا ۖ وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَ لَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

یاد بیاور که خداوند جلیل
 گر نشان می‌داد کثیر ذات اله
 دشمنانت را نشان داد او قلیل
 بس هراسان می‌شدی تو با سپاه
 اختلافی می‌نمودید و جدال
 سست می‌گشتید به میدان بالمآل
 لیک اراده شد ز ذاتِ کردگار
 که سلامت باشید اندر کارزار
 اوست آگه بر بطونِ بندگان
 از همه نیاتِ قلبی بی‌گمان

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيَّتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيَقْلِلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۖ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

یاد آرید که خداوند در نبرد
 هم شما را کم نشان داد نیز اله
 دشمنان در چشمتان تقلیل کرد
 نزد دشمن از قشون و از سپاه
 تا قضای حتمی آرد او به پیش
 آنچه بنوشته خدا در لوح خویش
 هر چه باشد در جهان از هر امور
 بازگردد بر خداوندِ غفور

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای گروه مؤمنان! گر در جهاد
 استوار باشید و ثابت همچو کوه
 روبه‌رو گشتید به خصم بدنهاد
 در میان کارزار با آن گروه
 از خدا آرید در پیکار یاد
 تا شوید پیروز اندر آن جهاد

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ ۖ وَاصْبِرُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

از خدا فرمان برید هم از رسول
 امر و نهی حق ز جان آرید قبول

دور گردید از نزاع و اختلاف ره مجوید ضد یکدیگر خلاف
چون که مستأصل شوید و بدگمان هم ضعیف‌تر می‌شوید اندر میان
پایدار باشید، شکبا و صبور حق بود با صابران در هر امور

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ
بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

﴿۴۷﴾

هیچ نباشید همچو آن پُرکینه‌ها که به بیرون آمده از خانه‌ها
از ریا رفتند بر سوی جهاد آن گروه کج‌خیالِ بدنهاد
سد بگشته سوی مردم بر اله منع کرده مردمان در طیّ راه
پس بود الله محیط بر کارتان هم بود دانا به هر اعمالتان

وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌّ لَكُمْ فَلَمَّا
تَرَأتِ الْفُتَّتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ
اللَّهَ ۚ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

﴿۴۸﴾

یاد بیارید، اهرمن بر کافران جلوه داد زیبا همه اعمالشان
گفت امروز که یقیناً هیچ فرد نیست غالب بر شما اندر نبرد
می‌شوم فریادِ رستان در امور هم فزود از جهل بر ایشان غرور
روبه‌رو تا که بگشتند دو سپاه پشت کرد ابلیس و بُگریخته ز راه
گفت که بیزارم شما را جملگی می‌کنم اغوایتان در زندگی
بینم اینک من قوایی اجمعین که کنند یاری سپاهِ مسلمین
لیک شما قادر نباشید بنگرید از خداوند من بترسم بس شدید
سخت گیرد در عقوبت ذات حق نیست کس را تابِ آن از ماخلق

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ ۖ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ
اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

یاد کن، گفتند آن اهلِ نفاق که به دل داشتند مرض‌ها از شقاق
 کاین مسلمانان ز دین دارند غرور در هوای جنگ و در این‌سان امور
 لیک توکل هر که آرد بر اله ثابت است اندر قدم در طیّ راه
 ذاتِ ایزد مقتدر هست و علیم بر همه چیز او توانا و حکیم

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَقَّى الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ الْمَلَائِكَةَ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ
 الْحَرِيقِ

گر که می‌دیدى تو حالِ کافران که ملائک چون بگیرند جان‌شان
 می‌زنند از غیظ به روی و پشت‌شان هم رسانند نیز چنین پیغام‌شان
 که چشید اینک عذابِ این حریق چون که رفتید ره، خطا اندر طریق

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

این عقوبت هست بر افعالِ خویش آنچه را که خود فرستادید پیش
 ذاتِ ایزد نیست ستمگر بر عباد که عذابی بیش دهد بر بدن‌ها

كَذَٰبِ آلِ فِرْعَوْنَ ۚ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ
 قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ای رسول! این زمان نیز مشرکان بوده چون اصحابِ فرعون، منکران
 آن کسان که بوده‌اند در قبل از این کفر ورزیدند به یزدان روی کین
 پس بر ایشان خشم حق آمد تمام از گناهانی که می‌کردند مدام

چون قوی باشد خداوند در عِقاب مجرمان را می‌رساند بر عذاب
 ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَأَنَّ اللَّهَ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ

﴿۵۳﴾

این‌چنین باشد که تغییر در نعم حق نیارد سوی قومی از کرم
 جز که آنها نفس خود تغییر دهند بر خطا و معصیت ره طی کنند
 بشنود ذاتِ خداوند، آن کریم هم بود آگه به اعمال و علیم
 كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ ۚ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ ۖ وَأَغْرَقْنَا
 آلَ فِرْعَوْنَ ۚ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ

﴿۵۴﴾

همچنین فرعون و آن اصحاب در ضلالت رفته چون اقوام پیش
 خویش
 چون دروغ خواندند آیات از گناه ما هلاکت داده گردیدند تباه
 ما نمودیم غرق سپس فرعونیان چون که بودند جملگی از ظالمان
 إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

﴿۵۵﴾

بدترین جنبنندگان نزد اله هست کفار، غرقه در بحر تباه
 که لجوجند و عنود و پر ز کین هیچ ایمانی نیارند سوی دین
 الَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ

﴿۵۶﴾

آن کسانی که ببستند با تو عهد بعد از آن روی عداوت کرده جهد
و شکستند بارها آن عهد خویش متقی هرگز نمی‌بودند به کیش

فَإِمَّا تَثَقَّفْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدْ بِهِنَّ مَن خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

﴿۵۷﴾

گر روی بر سوی کارزار ای رسول! با چنین قومی که می‌ورزند عدول
کن پراکنده ز تهدید جمعشان تا مگر یابند تذکر زان میان

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ

﴿۵۸﴾

گر که می‌ترسی تو از این ناقضین که خیانت بر تو ورزند روی کین
پس رها کن عهد و هر گونه وفاق نقض پیمان تو بکن بالاتفاق
دوست ندارد ذات ایزد خائنین چون نفاق ورزند بر روی زمین

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا ۚ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ

﴿۵۹﴾

هیچ نپندارند کفار زین میان که همی پیشی گرفتند در جهان
ناتوانند که روند ایشان فزون از ره حق، این‌چنین قوم زبون

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ
آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ
إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

﴿۶۰﴾

مؤمنان! آمادگی باشد صلاح اسب و نیرو و ز هر گونه سلاح

تا بترسانید کفار را عیان هر عدو که آمده اندر میان
هم ز اقوام دگر، آن دشمنان که شما نیز غافلید از فعلشان
لیک خداوند می‌شناسد او نکو آن کسانی که ز دل هستند عدو
هر چه در راه خدا خیرات کنید حق دهد پاداشتان را بس مزید
بر شما هرگز نمی‌راند ستم پس شاید هیچ تردیدی و غم

﴿٥﴾ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

﴿٦١﴾

گر که بر صلح دشمن تو میل کرد تو نما صلح و به پایان بر، نبرد
از برای صلح مترس تو هیچ‌گاه در همه کار کن توکل بر اله
حق به اقوال و به افعالِ جمیع آگه است و همچنین باشد سمیع

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنْ حَسِبَكَ اللَّهُ ۚ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

﴿٦٢﴾

گر بخواهند که کنند مکر و فریب هست کافی بهر تو ربّ مجیب
حق بود یاور به تحقیق و یقین بر تو و هم بر جمیع مؤمنین

وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ ۚ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ
بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

﴿٦٣﴾

مهر و ألفت حق فکند بین قلوب کز وفا و عشق خیزد نی ذنوب
گر کنی خرج هر چه هست اندر نیست ممکن ألفتی سازی چنین
زمین

لیک یزدان مجید، ذات ودود بین دل‌ها الفتی زین سان گشود
او عزیزست و حکیم و مهربان هست مُقَلَّب بر قلوب مردمان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ای نبی! کافی بود بهرت یقین ذاتِ حق و تابعان از مؤمنین
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ۚ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا
 مِائَتِينَ ۚ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

ای پیمبر! مؤمنان را بر جهاد
 می‌نما ترغیب بر جنگ با عناد
 گر شوید صابر، خوفی هیچ نیست
 بیست تن، غالب بگردید بر دویست
 گر که باشید صد نفر در کارزار
 می‌شوید غالب به دشمن بر هزار
 آن کسانی که خدا را کافرنند
 کلهم بی‌دانش و هم جاهلند
 أَلَا نَخَفُ اللَّهَ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا ۚ فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ۚ
 وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

چون بگشتید سُست اندر کارزار
 داد کنون تخفیفتان پروردگار
 گر شما باشید صد تن صابران
 غلبه یابید بر دویست از منکران
 یک هزار تن در مصاف باشید اگر
 دو هزار تن را برانید سربه‌سر
 و خدا باشد همی با صابران
 که شکیبایند ز جمع مؤمنان
 مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ ۚ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ ۚ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ
 الْآخِرَةَ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

هم نشاید هیچ نبی را در نزاع
 کز اسیر گیرد هدایا و متاع
 قبل از آنکه چیره آید در زمین
 در جهاد با حاربین و کافرین

بر متاع دنیوی گر مایلید حق بخواهد آخرت رو آورید
مقتدر باشد خداوند جهان او حکیم و حکمتش تا بی کران
لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

﴿۶۸﴾

گر نمی بود حکم از دورِ سبق که شده مضبوط اندر لوحِ حق
زانچه آوردید به دست مالِ فدا سخت عذابی می چشاند آنکه خدا
فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

﴿۶۹﴾

پس خورید از آن غنائم بالمآل که بود از بهرتان کلاً حلال
لیک تقوی^۱ پیشه آرید در امور هست بخشنده خداوندِ غفور
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَظُنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُّؤْتِكُمْ خَيْرًا
مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُم وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

﴿۷۰﴾

گو به ایشان، ای رسولِ رهنما! که اسیرانند کنون دستِ شما
حق ببیند گر که در دلهایتان هست فروغی و زِ ایمانش نشان
بر شما بیشتر نماید او عطا زانچه را که داده‌اید اندر فدا
هم بیامزد شما را آن کریم ایزدِ منّان غفور است و رحیم
وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

﴿۷۱﴾

با تو ایشان گر خیانت‌ها کنند با خداوند هم نمایند نیز چند

لیک مسلط هستی و تو برتری چیره‌ای اندر امور رهبری
ذات پاک ایزدی باشد حکیم بر همه مخلوق عالم او علیم

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا
أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ
حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ
مِيثَاقٌ ۖ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

﴿۷۲﴾

آن کسانی که به حق رو کرده‌اند
از عطای مال و جان اندر جهاد
وان که اسکان داده است و هم پناه
آن گروهند متفق، باشند چو یار
یک گروهی که بوند از مؤمنان
دوست نباشید با چنین بیگانه‌ها
از شما خواهند اگر یاری به دین
جز مگر آنان که بشکستند عهد
حق بود بینا و بر عالم بصیر
هجرت از کوی و وطن برگزیده‌اند
در ره حق داده روی اعتقاد
بر مهاجر که نموده طیّ راه
بهر یکدیگر حبیب و دوستدار
لیک نکردند هجرت از کوی و مکان
جز مگر هجرت کنند از خانه‌ها
بر شما واجب بود یاری یقین
با همه یارانتان در جنگ و جهد
بر امورات گر که کوچک، گر کبیر

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ

﴿۷۳﴾

برخی با هم دوستند از کافران
گر نپوید هر چه حق گفت از و داد
حامی و پشتی هم اندر جهان
در زمین حادث بگردد بد فساد

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
حَقًّا ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

﴿۷۴﴾

آن کسانی که به تحقیق مؤمنند بر خدا و بر رسولش واقفند
 بهر حق هجرت نموده از وطن جهد آرند در نهان و در علن
 داده اسکان بر مهاجر از دیار تا بگردند اهل هجرت پایدار
 مؤمنانند سوی رحمان و رحیم لایقند بر بخشش و رزق کریم

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ
 بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

﴿۷۵﴾

یک گروه از مؤمنان بعد از شما هجرتی کردند به سوی رهنما
 با شما همراه به میدان جهاد کرده ایثار از سرِ مهر و وداد
 پس بگشتند زمره‌ای از مؤمنان چون که بگذشتند ز مال و جان‌شان
 بعضی از خویشان بر حسب کتاب گشته والاتر ز بعضی در حساب
 هست آگاه ذات پاک مستعان بر هر آن چیز که بود اندر جهان